

به سوی فانوس دریایی*. صالح حسینی

۴۵ من به زندگی شاعران و نویسندگان علاقه چندانی ندارم. سال تولد و وفات آنها را هم در تذکره‌ها و دایرةالمعارفها می‌توان یافت. مهم این است که در فاصله میلاد و مرگ چه کرده‌اند. پس معذورم بدارید اگر شرح حال ویرجینیا وولف را در اینجا نمی‌آورم. به جای آن به ذکر چند نکته پراکنده درباره به سوی فانوس دریایی می‌پردازم، باشد که سودمند افتد.

۱- به سوی فانوس دریایی در سال ۱۹۲۶ انتشار یافته است. در همان سال هم دبلیو. بی. بیتس، شاعر نامور ایرلندی، شعر «سفر به بیزانطه» (Sailing to Byzantium) را سروده است. در این شعر نخست از کشوری سخن می‌رود که در آن دختران و پسران جوان در آغوش یکدیگرند و پرندگان بر شاخسار درختان به نغمه‌سرایی مشغولند. «من شعری» که پیر است و از فرط زار و نزار بودن به مترسک شبیه است، خود را بیرون از این دنیا حس می‌کند و بر آن می‌شود که از دریاها بگذرد و به بیزانطه برسد. به وقت رسیدن به آنجا از حکیمان منقوش بر دیوار که شعله‌های مقدس خداوندی در میانشان گرفته است به عجز و لابه

می‌خواهد او را بسوزانند و از ذلت تن حیوانی رهاپیش سازند و سپس وی را به صورت پرنده‌ای زرین بال در بیاورند که روی شاخه‌های زرین نشسته باشد و از آنچه گذشته یاد در حال گذشتن است یا می‌آید بسراید.

در به سوی فانوس دریایی هم آقای رامزی، پیرمردی هفتاد ساله، همراه دو تن از فرزندان سوار قایق می‌شود، از دریا می‌گذرد و در فانوس دریایی فرود می‌آید. هنگام فرود آمدن آنها در فانوس دریایی، لی‌لی بریسکو هم در لحظه‌ای از شهود نقاشی‌اش را به اتمام می‌رساند و آن لحظه را جاودانه می‌کند. به این ترتیب در هر دو اثر لحظه‌های گذران زندگی ثابت نگه داشته می‌شود و از سپنجی بودن می‌رهد.

۲- چارچوب طرح داستانی به سوی فانوس دریایی ساده است. این رمان سه قسمت دارد. بخش نخست - پنجره - درباره‌ی آقا و خانم رامزی و فرزندان و میهمانان آنها در یک روز تعطیلی است، یعنی روزی از روزهای پایانی ماه سپتامبر و چند سالی پیش از وقوع جنگ جهانی اول. بخش دوم - زمان می‌گذرد - شرح دگرگونی و خرابی خانه رامزی است. وقوع جنگ مانع آمدن خانواده می‌شود. خانم رامزی می‌میرد، اندرو رامزی در جنگ کشته می‌شود و پرو رامزی هنگام زایمان می‌میرد. در بخش سوم - فانوس دریایی - ده سال پس از وقایع بخش نخست باقی ماندگان خانواده رامزی و بعضی از میهمانان برمی‌گردند. لی‌لی بریسکو نقاشی‌اش را که ده سال پیش آغاز کرده بود در حالتی از کشف و شهود تمام می‌کند. وی زیر نفوذ این حالت موفق می‌شود دلالت حقیقی خانم رامزی متوفی، کل خانواده رامزی و صحنه فراروی خود را در پیوند درستی ببیند.

۳- در داستانی که در آن به سفر دریایی پرداخته می‌شود، خواننده معمولاً انتظار توفان و کشتی شکستگی و نظایر آن را دارد. ولی این رمان، رمان ماجراجویانه‌ای نیست و از توفان و کشتی شکستگی هم خبری نیست. فانوس دریایی رمز است و اشخاص داستان هم به یک معنی رمزی‌اند، همانگونه که زمینه داستان و اعمال آدمها هم صورت رمزی دارد. در حقیقت رمز فانوس دریایی در تار و پود کل رمان بافته شده است. ساختار سه بخشی کتاب فرانمود پرتوافکنی فانوس دریایی است. به این معنی که بخش یا حرکت نخست با پرتوافکنی یا ضربه سوم فانوس دریایی را ممثل می‌سازد.

۴- موضوع رمان، مثل دیگر رمانهای جریان سیال ذهن، شناخت است. وسیله شناخت فانوس

دریایی است که در وجود خانم رامزی تجلی یافته است. وی سبب می‌شود که اشخاص داستان یکدیگر را بشناسند و با خود و دیگران به یگانگی برسند. پس از مرگ خانم رامزی کسانی که هنوز به شناخت نرسیده‌اند با رفتن به فانوس دریایی به این مهم نایل می‌شوند. لی‌لی بریسکو هم در همان لحظه است که به اشراق می‌رسد و نقاشی‌اش را تمام می‌کند.

خانم رامزی نه تنها با فانوس دریایی احساس اینهمانی می‌کند بلکه به تعبیری خود فانوس دریایی می‌شود. وی به اطراف خود نور می‌پراکند و ذهن و دل آدمها را روشن می‌سازد. در حضورش دو گانگیها و تضادها از میانه برمی‌خیزد و تاریکی محو می‌شود. اشخاص داستان از من بودن بیرون می‌آیند و ما می‌شوند. هنگامی که خانم رامزی می‌میرد، خانه روبه ویرانی مرگی رخ می‌دهد و آتش جنگ در می‌گیرد. پس از آن هنگامی که دیگر

اشخاص داستان به فانوس دریایی می‌روند، با نور خانم رامزی هدایت می‌شوند و لی‌لی بریسکو هم با هدایت نور وی به شهود می‌رسد. به این ترتیب وجود خانم رامزی در سه بخش رمان

همچون سه ضربه فانوس دریایی است. زیرا در بخش نخست حضور دایمی دارد، در بخش دوم با مرگ وی تاریکی می‌آید و در بخش سوم با یاد و خاطره اوست که سفر انجام می‌گیرد و لی‌لی نقاشی‌اش را تمام می‌کند.

۵. خانم رامزی نه تنها رمز پیوند و یگانگی است بلکه رمز الهه گلها هم هست. تنسلی درباره وی چنین می‌اندیشد: «با ستارگان در چشمهایش و تور بر گیسوانش، با پنجه مریم و بنفشه وحشی... در گلزاران گام می‌نهد و غنچه‌هایی را که شکسته و بره‌هایی را که افتاده بودند به

آنچه به تلاششان نظم می‌دهد سفر به قصد طلب است که اشخاص داستان برای رسیدن به مقصود ناگزیرند از آب بگذرند.

ویرجینیا و ویولت دیکسون، ۱۹۰۲.



سینه می فشرد...» خانم مکناب او را با جبه‌ای خاکستری و در حال خم شدن روی گلها به یاد می آورد. لی لی بریسکوی را در حال گام نهادن به میان مزارع مجسم می کند؛ مزارعی که در میان چین و شکنهای ارغوانی و نرم گل‌های یاس و سوسن آن خانم رامزی ناپدید می شود. هنگامی که جیمز مادرش را فراخوانی می کند، در ذهنش می گذرد که: «در کدام باغ بود که چنین شد...» و این تصویر تصویری روشن از باغ بهشت پیش از هبوط است و خانم رامزی متصف به اوصاف الهه باروری و الهه کشت هم هست.

۴۸

۶- بخش نخست رمان تصویری است از دنیای سبز عشق و زیبایی در زمینه‌ای طبیعی و فراخور حال. در بخش دوم نیروهای ویرانگر بر این قلمرو حاصلخیز یورش می آورند. زمینه این بخش در ارتباط با فصل و تاریخ و ماورای طبیعت است. فضای حاکم فضای شب و زمستان است و ظهور خصمهای جهانی در وجود اژدها تجسد می یابد. بخش سوم



حکایت بازگشت اشخاص داستان به دنیای بسبز است. آنها تلاش می کنند سعادت پیش از جنگ را برقرار سازند. آنچه به تلاششان نظم می دهد سفر به قصد طلب است که اشخاص داستان برای رسیدن به مقصود ناگزیرند از آب بگذرند. هدف سفر هم عبارت است از رسیدن به برج باروواری که روی صخره سنگی قرار گرفته است و در هنگامه شب و توفان منبع نورافشانی به دنیای اطراف است.

در پایان ذکر این نکته لازم است که مترجم در ترجمه این اثر بزرگ با دشواریهای فراوان روبرو بوده است. دوستان عزیز، دکتر ابراهیم قیصری و منوچهر بدیعی و علی بهروزی، با پیشنهادها و اظهار نظرهای خود مترجم را رهین منت خویش ساخته اند. همچنین بهزاد زرین پور ترجمه را از آغاز تا پایان به دقت خواند. مترجم بر خود فرض می داند که از این یاران عزیز صمیمانه سپاسگزاری کند و از زبان سهراب سپهری برایشان آرزو کند که: روزهاشان پرتقالی باد! ♦ ♦

صفحه روبرو: خانه اشهام، ۱۹۱۴.




پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

* مقدمه ای بر ترجمه فارسی رمان به سوی فانوس دریایی
برای مزید اطلاع به منابع زیر رجوع کنید:

- Auerbach, Erich. **Mimesis: The Representation of Reality in Western Literature**. Princeton, 1953.
- Beja, Morris, ed. **Virginia Woolf: to the Lighthouse**. Macmillan and Co LTD, 1970.
- Daiches, David. **Virginia Woolf**, New York: New Directions, 1963.
- Fleishman, Avrom. **Virginia Woolf: A Critical Reading**. The Johns Hopkins university press. 1975.
- Frye, Northrop. **Anatomy of Criticism**. New York, 1953.
- Humphery, Robert. **Stream of Consciousness in the Modern Novel**. University of California Press, 1954.
- Tindal, William York. **The Literary Symbol**. Indiana University Press, 1967.

(نقل از مقدمه ترجمه رمان «بسی فانوس دریایی» ترجمه صالح حسینی انتشارات نیلوفر - زمستان ۱۳۷۰)



پرو مشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی